

بررسی پارهای از مسائل بیمه‌های مهندسی (و ماده ۲۱ شرایط عمومی پیمان)

احمد قدیمی

(از شرکت کارگزاری پارس همگام)

مقدمه

بررسی پرونده حوادث طبیعی در کشور ما بیانگر این امر است که تاکنون بیشترین خسارت‌های جانی و مالی ناشی از این حوادث بر اثر پدیده‌های سیل و زمین‌لرزه بوده است. بدیهی است که دیگر عوامل طبیعی مانند لغزش و رانش زمین، طوفان، گردباد، خشک سالی و صدمات ناشی از آفات دامی و نباتی نیز زیان‌های درخور توجهی متوجه سرمایه‌های ملی و خصوصی در کشور کرده‌اند. محور اصلی این نوشتار، اشاره به خسارت‌های ناشی از حوادث طبیعی و سهم بیمه‌های مهندسی در جبران آن‌ها و در مورد بخشی از سرمایه‌های ملی است که همه ساله با صرف مبلغ هنگفتی از بودجه کشور در قالب پروژه‌های عمرانی هزینه می‌شود. چراکه با وجود رعایت نکات ایمنی، معمولاً قسمت‌های مختلف پروژه‌های در دست ساختمان بیشتر از پروژه‌های تکمیل شده در معرض خطر حوادث طبیعی قرار می‌گیرند. البته پروژه‌های تکمیل شده نیز که بخش اعظم سرمایه‌های ملی کشور را تشکیل می‌دهند چندان هم از معرض بلایای طبیعی به دور نیستند. وضعیت بیمه‌ای این بخش از سرمایه‌های ملی کشور نیز به بررسی و توجه ویژه نیاز دارد و خود موضوع بخش مستقلی از بیمه‌های مهندسی به نام «ریسک‌های مهندسی پروژه‌های تکمیل شده ساختمانی» است. به این نکته نیز باید اشاره شود: با توجه به موضوع سمینار که نقش بیمه در جبران خسارت‌های ناشی از حوادث طبیعی را موضوع کار خود قرار داده است و نظر به گستردگی دامنه آن و با توجه به این که رسیدگی به تمام ابعاد آن بررسی‌های متعددی را می‌طلبد، در این جا فقط به

پروژه‌های عمرانی و حوادث طبیعی که آن‌ها را در معرض خسارت قرار می‌دهند و چگونگی وضعیت پوشش بیمه‌ای آن‌ها می‌پردازیم. سازمان برنامه و بودجه نیز براساس مسئولیت‌ها و وظایف خود به خسارت‌های ناشی از حوادث طبیعی، که موضوع سمینار امسال بیمه مرکزی است، توجه خاص دارد. این سازمان در قالب ماده ۲۱ شرایط عمومی پیمان (الگوی تعیین شده برای انعقاد قرارداد بین کارفرمایان و پیمانکاران) بر حفاظت از این قسمت از دارایی‌های جامعه تأکید ورزیده است. از این رو، در مقاله حاضر نقش سازمان برنامه و بودجه، کارفرمایان، مهندسان مشاور، پیمانکاران و شرکت‌های بیمه و شبکه فروش آن‌ها در اجرای مفاد ماده ۲۱ شرایط عمومی پیمان و چگونگی اجرای آن در زمینه تهیه، ارائه و تأمین پوشش‌های بیمه‌ای بررسی شده است.

ماده ۲۱ شرایط عمومی پیمان

براساس ماده ۲۳ قانون برنامه و بودجه کشور و مصوبات هیأت عامل برنامه، بخشنامه‌ها و دستورالعمل‌ها، کلیه پیمانکاران ساختمانی و تأسیساتی باید در زمان انعقاد قرارداد طرح‌های عمرانی، از شرایط عمومی پیمان که سازمان برنامه و بودجه تعیین کرده است استفاده کنند. یکی از مواد شرایط مذکور، ماده ۲۱ آن است که طی آن به موضوع تأمین پوشش‌های بیمه‌ای اشاره شده است. بخشی از مفاد این ماده به شرح زیر است:

«الف) پیمانکار از روز تحویل گرفتن اراضی و تشکیل کارگاه تا روز تحویل موقت عملیات موضوع پیمان، مسئول حفظ و نگهداری ماشین‌آلات، تأسیسات، مصالح، اراضی، راه‌ها و ابنیه‌ای است که تحت نظر و مراقبت او قرار دارد و به همین منظور اقدامات لازم را برای نگهداری و حفاظت کلیه اشیاء و تأسیسات موجود در داخل کارگاه در مقابل عوارض جوی و طغیان آب رودخانه‌ها و سرقت و حریق و غیره به عمل می‌آورد. هم چنین پیمانکار در حدود قانون حفاظت فنی مسئول خسارت وارده به شخص ثالث در محوطه کارگاه است و در هر حال کارفرما در این مورد هیچ نوع مسئولیتی به عهده ندارد. پیمانکار متعهد است کلیه تدابیر لازم را برای جلوگیری از وارد شدن خسارت و آسیب به املاک مجاور اتخاذ نماید و اگر بر اثر سهل انگاری او خسارتی به املاک مجاور یا محصول آن‌ها وارد بیاید پیمانکار مسئول جبران آن خواهد بود.

ب) پیمانکار مکلف است آن قسمت از ساختمان‌ها و تأسیسات موضوع پیمان را که در شرایط مناقصه ذکر شده در مقابل مواردی از حوادث غیرمترقبه مذکور در آن شرایط به قیمت

محاسبه شده در پیشنهاد مناقصه به نفع کارفرما نزد مؤسسه‌ای که کارفرما تعیین می‌کند بیمه کند و بیمه نامه‌ها را به کارفرما تسلیم نماید. کلیه بیمه نامه‌ها باید تا تاریخ تحویل موقت اعتبار داشته باشد و در صورتی که تاریخ تحویل موقت به عللی به تأخیر افتد، پیمانکار مکلف است بیمه نامه‌ها را تا مدتی که لازم است تمدید نماید. در صورت بروز حادثه‌ای که باعث از بین رفتن تمام یا قسمتی از کارهای انجام یافته شود پیمانکار موظف است:

اولاً - مراتب را فوراً به کارفرما و بر طبق مقررات بیمه به بیمه‌گر اطلاع دهد.

ثانیاً - طبق دستور کارفرما یا دستگاه نظارت کارها را به حالت اولیه بازگرداند.

کارفرما خسارت‌های وارده بر آنچه را که بیمه شده است از بیمه‌گر وصول می‌نماید و به تناسب پیشرفت کار تدریجاً به پیمانکار پرداخت خواهد کرد.

تبصره - در صورتی که خسارت‌های دریافتی از بیمه‌گر کافی برای اعاده کارها به صورت اولیه نباشد مابه‌التفاوت را پیمانکار شخصاً تأمین خواهد کرده.

صدور بیمه نامه و پوشش‌های بیمه‌ای

در اقتصاد امروز شرکت‌های بیمه نقش فعال و بارزی دارند. وظیفه آن‌ها حفظ و حراست از سرمایه‌های ملی، گسترش فعالیت‌های اقتصادی، تجاری، فنی، جلب و هدایت نقدینگی در بازار سرمایه (یکی از منابع تولید ثروت و ارزآوری کشورها) است که طبعاً آثار اجتماعی و اقتصادی متعدد دیگری را نیز موجب می‌شود. صدور بیمه‌های تمام خطر مقطعه کاری و نصب، یکی از زمینه‌های مناسبی است که در بستر آن عملکردهای مذکور شکل می‌گیرد و آثار قابل لمس خود را نشان می‌دهد. برای حصول چنین نتیجه‌ای، نگاهی به بودجه سال ۱۳۷۸ و توجه دقیق به چند نکته ضروری است.

الف) بیع متقابل: مجلس شورای اسلامی با تصویب قسمتی از بودجه و تأیید استفاده از بیع متقابل، دولت را در استفاده از پنج میلیارد دلار سرمایه‌های خارجی به صورت ایجاد کارخانه‌های تولیدی و اجرای پروژه‌های عمرانی مجاز دانست. با توجه به این که حفظ و حراست از این سرمایه‌ها در مقابل حوادث غیرمترقبه یکی از ضروریات است، لازم می‌بود که شرکت‌های بیمه خود را برای ارائه خدمات بیمه‌ای لازم تجهیز کنند. اگر فرض را بر این قرار دهیم که نرخ متوسط بیمه نامه نصب یا مقطعه کاری پروژه‌های یاد شده ۵ در ۱۰۰۰ باشد این امر بازار حق بیمه‌ای به میزان ۲۵ میلیون دلار را مطرح می‌کند. این رقم، فقط حق بیمه بیمه‌نامه‌های تمام خطر نصب و مقطعه کاری

است در حالی که پروژه‌ها نیازمند استفاده از بیمه‌نامه‌های دیگری از قبیل بیمه‌نامه‌های ماشین آلات مقاطعه کاری، حوادث انفرادی و گروهی، درمان، حمل و نقل، مسؤلیت، اتوموبیل، آتش سوزی و جز آن نیز هست. در صورتی که میزان حق بیمه آن‌ها نیز برآورد شود رقم نهایی کاملاً درخور توجه خواهد بود.

ب) بودجه عمرانی کشور: به مورد یاد شده باید رقم تصویب شده ۳۲۷۰۰ میلیارد ریالی بودجه عمرانی کشور را نیز افزود که در قالب اجرا یا تکمیل پروژه‌های مختلف باید به روی صنعت بیمه بازار گسترده‌ای بگشاید این میزان سرمایه با همان نرخ متوسط گفته شده امکان داشت حق بیمه‌ای به میزان ۱۶۳/۵ میلیارد ریال تولید کند. بدیهی است که بیمه‌های تبعی حاصل از عملی شدن پروژه‌های مربوط نیز تأثیر چشم‌گیر دیگری بر بازار بیمه بر جای می‌گذارند.

پ) تحت پوشش قراردادن پروژه‌های در دست اجرا: مدیران و مسؤولان شرکت‌های بیمه و سازمان‌های کارفرمایی بی‌گمان مطلع هستند که بخش عظیمی از پروژه‌هایی که در سال‌های اخیر به اجرا درآمده و یا در دست اجراست پوشش بیمه‌ای ندارند (با وجود تلاش‌های بسیار، آمار دقیقی به دست نیامد ولی آمار تقریبی بیان‌گر آن است که در دوره ۱۳۶۸-۱۳۷۶ از مجموع سرمایه پروژه‌های عمرانی ۵۳/۱۱۱ میلیارد ریال بدون پوشش بیمه‌ای بوده است (جدول شماره ۱). اهمیت موضوع زمانی روشن‌تر می‌شود که بدانیم: ۱. دستور اکید سازمان برنامه و بودجه در مورد تهیه پوشش‌های بیمه‌ای برای پروژه‌های مورد نظر وجود داشته است؛ ۲. ماده ۲۱ شرایط عمومی پیمان در مورد اخذ پوشش بیمه‌ای در هر یک از قراردادها به امضای کارفرما، مشاور و پیمانکار رسیده است و طبعاً مانند سایر مفاد قرارداد می‌بایست به اجرا گذاشته می‌شد؛ ۳. حق بیمه مربوط نیز جزئی از هزینه‌های اجرای طرح است که مورد محاسبه و تأیید پیمانکار، مشاور و کارفرما قرار گرفته است؛ ۴. کارفرما پرداخت حق بیمه را تأیید و تصویب کرده و در اغلب قراردادها یکی از اقلام هزینه‌های پروژه بوده که به صورت مستقل در فهرست مقادیر درج شده است. برخی از این پروژه‌ها به اتمام رسیده‌اند ولی بخش عمده آن‌ها هنوز در حال اجرا یا متوقف‌اند که در هر دو صورت (حتی در صورت توقف کامل) در معرض خطر حوادث طبیعی قرار دارند و نیازمند پوشش بیمه‌ای هستند. اگر رقم یاد شده را ملاک محاسبه قرار دهیم این بخش از کارها باید در مدت مذکور حق بیمه‌ای نزدیک به ۲۶۵/۵ میلیارد ریال برای بازار بیمه کشور فراهم می‌کرد.

ت) صدور خدمات فنی و مهندسی: این خدمات به صورت پروژه‌های مختلف عمرانی در خارج از کشور مدت‌هاست که آغاز شده و با حمایت همه جانبه بسیاری از نهادها و سازمان‌ها به مرز قابل قبولی رسیده است. یکی از سازمان‌هایی که می‌بایست در مورد حمایت از پیمانکاران و به دست آوردن بازار بیمه مربوط به آنان به طور مؤثر تلاش می‌کرد صنعت بیمه است که متأسفانه اقدامات کافی صورت نگرفت. در حالی که پروژه‌های عمرانی در خارج از کشور، بازار فروش وسیع و رو به توسعه‌ای فراهم ساخته‌اند. صنعت بیمه با فعالیت گسترده‌تر در این عرصه می‌تواند به حق بیمه درخور توجهی دست یابد.

بخش عمده دیگری از بازار مربوط به پوشش‌های بیمه‌ای نصب و تمام خطر مقاطعه کاران مربوط به پروژه‌های غیرعمرانی و بخش خصوصی است که رقم آن کاملاً چشم‌گیر است و باید جداگانه بررسی شود.

جدول ۱. آمار حق بیمه و سرمایه تحت پوشش پروژه‌های عمرانی (به میلیون ریال)

سال	حق بیمه صادره (۱)	ضرب خسارت (درصد)	مبلغ اعتبارات عمرانی	سرمایه بیمه براساس نرخ متوسط حق بیمه ۵ در هزار	درصد پروژه‌های بیمه شده	میزان تقریبی سرمایه پروژه‌های بدون پوشش بیمه‌ای
۱۳۶۸	۲۳۶۸	۱۸/۰۳	۹۳۱۵۰۰	۴۷۳۶۰۰	۵۰/۸۴	۴۵۷۹۰۰
۱۳۶۹	۲۵۹۳	۲۸/۷۶	۱۷۶۶۳۰۰	۵۱۸۶۰۰	۲۹/۳۶	۱۲۴۷۷۰۰
۱۳۷۰	۲۹۲۵	۲۰/۹۹	۲۵۲۷۰۰۰	۵۸۵۰۰۰	۲۳/۱۴	۱۹۴۲۰۰۰
۱۳۷۱	۴۲۹۳	۲۱/۴۵	۲۹۴۸۸۰۰	۸۵۸۶۰۰	۲۹/۱۱	۲۰۹۰۲۰۰
۱۳۷۲	۳۴۶۵۱	۱۶/۰۵	۷۲۳۲۲۰۰	۶۹۳۰۲۰۰	۹۵/۸۲	۳۰۲۰۰۰
۱۳۷۳	۹۶۱۳	۶۹/۴	۹۰۷۱۳۰۰	۱۹۲۲۶۰۰	۲۱/۱۹	۷۱۴۸۷۰۰
۱۳۷۴	۲۰۵۸۳	۴۶/۷۸	۱۲۸۸۲۸۰۰	۴۱۱۶۶۰۰	۳۱/۹۵	۸۷۶۶۲۰۰
۱۳۷۵	۳۲۱۳۶	-۹/۹	۲۲۵۷۴۳۰۰	۶۲۳۷۲۰۰	۲۸/۴۷	۱۶۱۳۷۱۰۰
۱۳۷۶	۲۷۳۰۹	۲۴/۶۵	۲۰۴۷۱۰۰۰	۵۴۶۱۸۰۰	۲۶/۶۸	۱۵۰۰۹۲۰۰

مأخذ: بیمه مرکزی ایران. گزارش آماری بازار بیمه کشور، سال‌های ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۶.

یک پرسش و چند مطلب

پرسش: آیا آن چه گفته شد صحیح و دست یافتنی است؟ متأسفانه ارائه آمار قطعی و ارقامی کاملاً دقیق به سادگی میسر نیست ولی با اتکا به آن چه به صورت تقریب مورد اشاره قرار گرفت می‌توان پذیرفت که «صحیح» پاسخ قسمت اول سؤال است؛ پاسخ به

قسمت دوم سؤال، که آیا این بازار دست یافتنی است یا خیر، موضوع اصلی بحث ما را تشکیل می‌دهد. پاسخ مثبت منوط به شرایطی است که خوشبختانه فراهم آوردن آن، هم ممکن و هم ضروری است؛ و از آن گذشته مطلب عجیب و بیگانه‌ای هم نیست. به عبارت واضح‌تر، پاسخ مثبت منوط به ایفای مسؤولیت‌ها و وظایفی است که به صورت حرفه‌ای و قانونی از قبل نیز عهده دار آن بوده‌ایم و تنها لازم است که هر یک از نهادهای ذی‌ربط با رفع اشکالات موجود، کار خود را انجام دهند.

مطلب اول، سازمان برنامه و بودجه امور مربوط به سیاست‌گذاری، هدایت و کنترل فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه را عهده‌دار است و تعیین ضوابط، شرایط، دستورالعمل‌ها و طرح‌های قانونی و بودجه‌های مربوط را در اختیار دارد. بدیهی است که هر سازمان هدایت‌گر و سیاست‌گذار باید چگونگی اجرای سیاست‌های تعیین شده را نیز کنترل کند وگرنه فایده و طبعاً لزومی نخواهد داشت. این سازمان در ماده ۲۱ شرایط عمومی پیمان، مقرر کرده است که پروژه‌های عمرانی در قبال حوادث غیرمترقبه تحت پوشش بیمه قرار گیرند، ولی همان طور که بیان شد متأسفانه این مهم به انجام نرسیده است. به نظر می‌رسد یکی از نهادهایی که می‌تواند و می‌باید در این راه گام‌هایی محکم بردارد همین سازمان برنامه و بودجه است. تأکید بر انجام گرفتن چنین بخشی از شرایط پیمان و درخواست اجرای آن از مسؤولان ذی‌ربط و کنترل آن، تأثیر مهمی بر این مسأله خواهد داشت. البته از توافق سازمان برنامه و بودجه با عملی ساختن چنین پیشنهادی یقین داریم و از سایر اقدامات آن سازمان در مورد فراهم ساختن تسهیلات و امکانات دیگر در جهت اجرای پروژه‌های عمرانی مطلع هستیم؛ نمونه‌های آن، تنظیم نظام فنی و مهندسی جدید است، همین طور حمایت عملی سازمان از روش‌های صحیح بیمه‌ای. در ادامه، در بحث مربوط به پوشش بیمه‌ای تعدیل به یکی از این نمونه‌ها اشاره خواهیم کرد. ولی ناگفته نباید گذاشت که متن ماده ۲۱ شرایط عمومی پیمان به گونه‌ای است که در پاره‌ای از موارد مانع از اخذ پوشش بیمه‌ای می‌شود؛ برای مثال، بخشی که اخذ پوشش بیمه‌ای را منوط به انتخاب و تأیید مهندسان مشاور کرده است که احتمالاً مانع از دریافت بیمه نامه خواهد شد. در این زمینه به شرایط قرارداد فیدیک اشاره می‌کنیم که کلیه پروژه‌های در دست اجرا با اعتبار جهانی براساس آن تنظیم شده‌اند و اخذ پوشش‌های بیمه‌ای به طور جامع مد نظر قرار گرفته است که شاید مورد توجه کارشناسان سازمان برنامه و بودجه قرار گیرد و بتوانند از آن به صورت الگو در مطالعات

خود استفاده کنند.

مطلب دوم، به کارفرمایان اشاره دارد. با یک بررسی ساده و اجمالی در مجموعه پروژه‌های در حال اجرا چنین به نظر می‌رسد که اغلب کارفرمایان به اخذ پوشش بیمه‌ای رغبت و علاقه‌ای ندارند. در بررسی‌های انجام گرفته به علت‌های گوناگون – تعدادی از کارفرمایان با پوشش‌های بیمه‌ای و دامنه و حدود آن‌ها آشنایی کافی ندارند.

– برخی از کارفرمایان از خطرهایی که پروژه در دست اجرای آن‌ها را تهدید می‌کنند ارزیابی درستی ندارند و احتمال وقوع حوادث را ناچیز می‌پندارند.
– بعضی از کارفرمایان، حق بیمه پروژه‌ها را رقم درشتی می‌دانند که اگر در ستون صرفه‌جویی آورده شود، اقتصادی‌تر است!
– تعدادی نیز به عملکرد شرکت‌های بیمه بی‌اعتقادند و آن‌ها را تکیه‌گاهی محکم نمی‌دانند.

– برخی نیز به تجربیات قبلی خود اشاره می‌کنند و با توجه به ناچیز بودن احتمال وقوع حادثه، می‌گویند: «اگر هم حادثه‌ای اتفاق افتاد برای آن فکری خواهیم کرد».
آن چه در این میان از بررسی مجموع عوامل گفته شده حاصل می‌آید نوعی بی‌برنامگی همراه با شناخت ناکافی و بدون احساس مسؤلیت است که با تکیه بر صرفه‌جویی توجیه شده است. به فقدان انگیزه و فرهنگ بیمه‌ای نیز باید اشاره کرد که توجه و دقت مدیران صنعت بیمه، سازمان برنامه و بودجه و سایر مسئولان رده بالا در اداره جامعه را می‌طلبد. شرکت‌های بیمه باید با برقراری ارتباط بیشتر، استفاده از سیستم‌های اطلاع رسانی، ارائه اطلاعات مربوط به خسارت‌های پرداختی، برگزاری سمینارها و تحقیقات کافی، به افزایش اعتماد و اعتقاد کارفرمایان کمک کنند. مسئولان نیز برای حفظ و حراست از سرمایه‌های ملی باید با به کارگیری سیستم کنترلی مناسب، با کارفرمایان چنان برخورد کنند که اخذ پوشش‌های بیمه‌ای را جدی بگیرند و در این خصوص احساس مسؤلیت کنند.

مطلب سوم، مربوط به نقش پیمانکاران است. شاید یکی از عوامل مؤثر در شکل‌گیری وضع موجود یعنی استفاده بسیار اندک از بیمه‌های مقاطعه‌کاری و نصب را بتوان نقش پیمانکاران ساختمانی و تأسیساتی دانست. واقعیت این است که در شرایط عمومی پیمان و بسیاری از قراردادها، خرید بیمه‌نامه و وظیفه پیمانکار تلقی شده است

ولی در جایی که کارفرما عهده دار پرداخت حق بیمه است گاهی به حلل گفته شده مسائلی پیش می‌آید که خرید بیمه نامه به تعویق می‌افتد و اغلب فراموش شود. واقعیت دیگری نیز وجود دارد و آن این است که برخی از پیمانکاران نیز به دلایل متعددی به این نتیجه رسیده‌اند که «این گونه بهتر است»، چرا که

– پیمانکار به زعم خود، آن چه را از نظر قراردادی به عهده وی بوده انجام داده است، حال کارفرماست که مسؤول هرگونه پیشامد و ضرر و زیان خواهد بود (ناگفته پیداست که این دسته از پیمانکاران با مکاتبات و پی‌گیری‌های بعدی مستندات خود را محکم‌تر می‌کنند و جای ادعا از کارفرما را برای خود باز می‌گذارند).

– پیمانکار از روی تجربه به این نتیجه رسیده است که به حلل مختلفی که برخی از آن‌ها برای او شناخته شده است (و البته همیشه نگران حلل ناشناخته هم هست) خسارت دریافتی از شرکت‌های بیمه برای جبران خسارت‌های وی بسنده نیست. او در این مواقع با تبصره زیر ماده ۲۱ نیز مواجه است که می‌گوید: «در صورتی که خسارت دریافتی از پیمانکار تکافوی جبران خسارت را ننماید وی شخصاً مسؤول پرداخت مابه‌التفاوت خواهد بود».

از واضح‌ترین حلل و عوامل شناخته شده این نابرابری می‌توان به فقدان پوشش بیمه‌ای تعدیل، نداشتن پوشش بیمه‌ای برداشت ضایعات، قابل پرداخت نبودن رقم خسارت مربوط به مابه‌التفاوت قیمت مصالح، ناکافی بودن پوشش بیمه‌ای تجهیز کارگاه و قسمت‌هایی از پروژه نظیر کانال‌ها، خاکریزها و محدودیت مربوط به پوشش بیمه‌ای ائبارها و نمونه‌های دیگر و فرانشیز اشاره کرد که مورد اخیر به طور عادی و معمول شامل بخشی از خسارت است که جبران آن را بیمه‌گذار برعهده دارد. در این جا با این که بیمه‌گذار شامل دو شخص حقوقی (کارفرما و پیمانکار) است و قاعده‌تاً باید مشترکاً عهده‌دار خسارت باشند، جبران آن فقط به عهده پیمانکار قرار می‌گیرد. ناگفته نماند که کلیه پیمانکارانی که مورد تحقیق قرار گرفتند، به اخذ پوشش بیمه‌ای به صورت کامل تمایل داشتند تا پس از وقوع حادثه بتوانند با دریافت مبلغ خسارت از شرکت بیمه به وضع مشابه با روز قبل از وقوع حادثه برسند. اغلب آنان با کارفرمایان خود نیز گفت و گو کرده‌اند ولی به دلایلی که اشاره شد و خواهد شد موفق نشده‌اند آنان را به خرید بیمه‌نامه کامل وادارند. چنین استنباط می‌شود که سازمان برنامه و بودجه نیز قادر به اقتناع کارفرمایان برای چنین خواسته‌ای نشده است. بنابر این کلیه عوامل، پیمانکار را

قانع ساخته‌اند که برای دریافت بیمه‌نامه فقط تا حد لازم تلاش کند. گذشته از این که چنین عملکردی بار سنگینی بر دوش پیمانکار و بر بودجه کشور تحمیل می‌کند فرصت استفاده از شبکه بیمه‌های اتکایی و ورود ارز برای جبران خسارت از طریق بیمه‌گران جهانی را نیز از این مجموعه سلب و در واقع ضرر و زیان درخور توجهی به سرمایه‌های ملی وارد می‌کند. بی‌گمان پیمانکار و کارفرما به سهم خود مسؤول و مقصرونند ولی در این جا پرسش دیگری نیز باقی می‌ماند: «آیا در همه احوال، پیمانکار از نخریدن بیمه‌نامه سود می‌برد؟». تجربه نشان داده است که در اغلب حوادثی که رخ داده و پوشش بیمه‌ای وجود نداشته است، کارفرما نیز توانسته است به موقع به تأمین بودجه برای جبران خسارت پردازد. تأخیر حاصل از این امر زیان درخور توجهی به پیمانکار وارد می‌کند، چرا که در بیشتر موارد ناچار از تحمل مضایق و صرف هزینه‌های هنگفت است؛ و باز این پرسش به ذهن می‌آید که پس چرا فقط تعداد محدودی از پروژه‌های عمرانی در ده سال گذشته تحت پوشش بیمه قرار گرفته‌اند. قطعاً کلید این معما را نمی‌توان تماماً نزد شرکت‌های بیمه جست و جو کرد و عوامل و شرایط متعددی وجود دارند که به برخی از آنها اشاره شد ولی توجه به نکات مربوط به شرکت‌های بیمه نیز راه‌گشا خواهد بود.

مطلب چهارم به شرکت‌های بیمه مربوط می‌شود. بدون این که بخواهیم مسؤولیت بیشتری بر عهده شرکت‌های بیمه قرار دهیم باید بگوییم که در این بخش گفتنی‌ها بیشتر از سایر بخش‌هاست. شاید این امر بدین سبب باشد که موضوع اصلی و مورد بحث یعنی پوشش‌ها و خدمات بیمه‌ای خود اساس و علت وجودی شرکت‌های بیمه و صنعت بیمه است. در این جا سعی خواهد شد که ارتباط اقدامات شرکت‌های بیمه با عملکردهای پیمانکاران و کارفرمایان روشن شود. آن چه اتفاق می‌افتد بدین ترتیب است که پس از امضای قرارداد، پیمانکار براساس شرایط پیمان از شرکت بیمه تقاضای اعلام نرخ و شرایط می‌کند. گاهی نیز به توصیه کارفرما این استعلام از دو یا سه شرکت بیمه انجام می‌گیرد. مقایسه نرخ‌ها و شرایط، اغلب تفاوت چندانی نشان نمی‌دهد. بررسی ما نشان داده است که علت این امر منشأ اصلی اخذ نرخ و شرایط است که شامل بیمه‌گران اتکایی محدودی است. اکنون که دامنه فعالیت پیمانکاران ما به کشورهای دور و نزدیک گسترش یافته است، از نرخ‌های ارزان‌تر و مناسب‌تر خبرهایی به ما می‌رسد. بر همین اساس و با توضیحات و استدلال‌هایی که از برخی از دست‌درکاران در توجیه

مطلب دریافت کردیم بر آن شدیم که بدانیم آیا شرکت بیمه‌ای وجود دارد که اطلاعات مربوط به پوشش‌های بیمه‌ای پروژه‌های اجرا شده در ۵۰ سال اخیر را، لااقل برای محک زدن نرخ‌های دریافتی از بیمه‌گران اتکایی، بررسی کرده باشد. نتیجه این بود که چنین اقدامی تاکنون به صورت کامل صورت نگرفته است. آیا مدیران شرکت‌های بیمه، تحقیق جدی در این زمینه را لازم و ضروری نمی‌دانند؟ برای مثال، وقتی که بیمه‌گر اتکایی یک پروژه را در کشور ما با نرخ A و پروژه مشابه آن را در کشور همسایه با نرخ کمتر از ۵۰ درصد A بیمه می‌کند، آیا بررسی موضوع اهمیت ندارد؟ آیا به نسبت خسارت‌های پرداختی به حق بیمه‌های دریافتی در ۵۰ سال اخیر توجه شده است؟ آیا این نسبت از ۲۵ درصد بیشتر بوده است و اگر چنین نیست آیا این خود یکی از عوامل ایجاد بی میلی به خرید بیمه‌نامه در کارفرمایان و پیمانکاران نیست؟ اگر شرکت‌های بیمه بخواهند به پیمانکارانی که خدمات فنی و مهندسی صادر می‌کنند پوشش بیمه‌ای ارائه دهند لازمه آن جمع آوری آمار و اطلاعات و اخذ تصمیم بر مبنای آن است. کما این که در بیمه پروژه‌های داخلی نیز با اتکا به اطلاعات شاید بتوانند نرخ و شرایط مناسب‌تری از بیمه‌گران اتکایی دریافت دارند و یا لااقل در مورد سهم نگهداری از بیمه‌ها به حمایت از صنعت بیمه داخلی و صرفه‌جویی ارزی تصمیم‌گیری کنند. تجهیز شرکت‌های بیمه برای تسریع در ارائه خدمات، از ضروریات است که به تسریع در ارائه نرخ و شرایط نیاز دارد؛ مشکلی که گهگاه کارفرمای متمایل به خرید بیمه نامه را منصرف می‌کند.^۱

فرانشیز

یکی از مسائلی که باعث شده است به این جا برسیم که شرایط بیمه‌نامه، به بازنگری اساسی نیاز دارد «فرانشیز» است. بنابر این، لازم است ابتدا فرانشیز را تعریف و به موجباتی که حضور آن را در شرایط بیمه‌نامه‌ها ضروری ساخته‌اند توجه کنیم. ساده‌ترین تعریف این است: فرانشیز سهمی از هر خسارتی است که جبران آن به عهده بیمه‌گذار است. در علل وجودی فرانشیز هم گفته‌اند: فرانشیز برای جلوگیری از بی‌مبالائی بیمه‌گذار در امر رعایت نکات ایمنی است؛ فرانشیز برای جلوگیری از هزینه‌های اداری درخور توجهی است که معمولاً بیمه‌گر یا بیمه‌گذار برای تشکیل پرونده و کارهای اداری لازم مربوط به رسیدگی به خسارت متحمل می‌شوند. طبعاً در خسارت‌های جزئی چنین

۱. یکی از کارفرمایان در این زمینه می‌گفت: «وقتی برای پرداخت حق بیمه این قدر معطل می‌شوم، برای دریافت خسارت چه قدر باید انتظار بکشم».

هزینه‌هایی منطقی نیست، ضمن این که از اهرم فرانشیز برای تغییر و یا تعدیل نرخ بیمه‌نامه نیز استفاده می‌شود. بدین معنا که با افزایش فرانشیز می‌توان نرخ را کاهش و به عکس، با کاهش فرانشیز حق بیمه را افزایش داد. برای مثال، ممکن است یک شرکت بیمه برای رقابت با شرکت دیگر و جلب نظر کارفرما، با ارائه حق بیمه‌ای نازل‌تر، فرانشیز درخور توجهی در شرایط بیمه‌نامه قرار دهد. در این جا دو مسأله پیش می‌آید: ۱. اگر پرداخت حق بیمه و تحمل فرانشیز برعهده یکی از عوامل ذی‌مدخل (کارفرما یا پیمانکار) قرار گیرد شاید مشکل کمتری حادث شود، ولی واقعیت این است که در شرایط فعلی که حق بیمه را کارفرما می‌پردازد و فرانشیز (براساس تبصره ماده ۲۱ شرایط عمومی پیمان) به عهده پیمانکار قرار می‌گیرد، کاهش حق بیمه به سود کارفرما و تحمیل فرانشیز به زیان پیمانکار است که طبعاً عادلانه نیست؛ ۲. با افزایش میزان فرانشیز و قرار دادن عامل «درصد» در آن، شرکت بیمه بخش عمده‌ای از وظیفه خود را بر دوش بیمه‌گذار قرار می‌دهد. به مثالی واقعی استناد می‌کنیم:

شرکت سهامی بیمه ایران برای جبران خسارت وارده به سد مارون مبلغی حدود نیم میلیارد تومان پرداخت کرد. اگر فرض کنیم که میزان فرانشیز تعیین شده در بیمه‌نامه ۱۰ درصد هر خسارت بوده باشد بدان معناست که میزان خسارت برآورد شده و مورد قبول کارشناس، حدود ۵۵۵ میلیون تومان بوده است. به عبارت دیگر، در وقوع این حادثه طبیعی و غیرمترقبه، جبران مبلغ ۵۵ میلیون تومان از خسارت به عهده پیمانکار پروژه قرار گرفته است. این پول از کجا و به چه صورت باید جبران شود؟ این اتفاق نه تنها در این خسارت بلکه در هر حادثه دیگری لااقل موجب این می‌شود که قسمتی از سود حاصل از عملیات پیمانکار، آن هم به شرطی که این سود به ۱۰ درصد ارزش کارهای انجام گرفته بالغ شود، از جیب وی برود. در واقع در این جا، پیمانکار نیز مانند بیمه‌گر اتکایی عمل می‌کند (شاید با توجه به سهمی از خسارت که به عهده می‌گیرد بشود گفت که وی یکی از بیمه‌گران اصلی اتکایی است). تنها تفاوت وی با بیمه‌گر اتکایی این است که از حق بیمه هیچ سهمی دریافت نمی‌کند. از این رو، ممکن است میزان علاقه پیمانکار به خرید بیمه‌نامه تحت تأثیر قرار گیرد.

با نگاهی به بیمه‌نامه‌های بعضی از پروژه‌های اجرا شده درمی‌یابیم که در آن‌ها همان‌گونه که رقم حداقلی برای فرانشیز قابل بوده‌اند رقم حداکثری نیز معین کرده‌اند. پیشنهاد می‌شود که این مسأله به طور پی‌گیر مورد بررسی و تجدید نظر قرار گیرد، به

ویژه که سایر کاربردهای فرانشیز از جمله جلوگیری از وقوع حوادث نیز در این جا مفهوم واقعی خود را از دست می‌دهد؛ حوادثی مانند سیل و زمین لرزه که اغلب پروژه‌های عمرانی را تهدید می‌کنند و وقوع آن‌ها از اختیار بیمه‌گذار خارج است. نکات ایمنی نیز همان است که از ابتدا در طرح پیش بینی شده و به نظر بیمه‌گر رسیده است و طبیعتاً پیمانکار مطابق برنامه اجرا می‌کند.

پوشش‌های بیمه‌ای

پوشش‌های بیمه‌ای طرح‌های عمرانی را معمولاً شرکت‌های بیمه در قالب شرایط استاندارد ارائه می‌کنند. آن چه پیمانکاران ارزش پروژه و اجزای آن می‌دانند بیمه‌گران به عنوان مبلغ مورد بیمه در بیمه‌نامه قرار می‌دهند ولی با این که نام این بیمه‌نامه معمولاً با عبارت «تمام خطر» همراه است بدان معنا نیست که هر حادثه‌ای را که سبب بروز خسارت شود شرکت بیمه جبران می‌کند. در این زمینه استثناها و محدودیت‌هایی که در بیمه‌نامه درج شده در خورد تأمل است. در این باره اشاره به چند نکته ضروری است.

۱. تعدیل

یکی از عواملی که گاه باعث ایجاد اختلاف چشم‌گیری بین میزان خسارت واقعی و برآورد کارشناسان بیمه‌گر می‌شود «تعدیل» است. بیمه‌نامه اغلب براساس ارقام و ضریب‌های مندرج در فهرست بها صادر می‌شود (ماده ۱۰ قانون بیمه، بیمه‌گر را از پرداخت خسارت مالی که به قیمت واقعی بیمه نشده باشد منع کرده است). رشد سریع قیمت برخی از کالاها، طولانی بودن مدت اجرای پروژه (که افزایش قیمت‌ها را تشدید می‌کند) و استفاده از فهرست بهای پایه‌ای (که گاه مربوط به سال‌ها قبل از زمان انعقاد پیمان است) نیز سبب تفاوت رقم واقعی خسارت و رقمی می‌شود که کارشناس بیمه براساس ارقام فهرست بها تعیین کرده است. پیمانکارانی که در این خصوص تجربیاتی داشته‌اند با مکاتبات پیش‌گیرنده بین خود و کارفرما و با تکیه بر شرایط عمومی پیمان سعی کرده‌اند پرداخت مابه‌التفاوت در خسارت قابل پرداخت از طرف شرکت بیمه و رقم لازم برای بازسازی مواضع آسیب دیده را به عهده صاحبکار قرار دهند. عمومیت و گسترش مسأله به جایی رسیده که سازمان برنامه و بودجه با صراحت تأکید کرده است که

از خرید بیمه‌نامه‌های ناقص پرهیز و بیمه‌نامه‌های کامل با پوشش رقم تعدیل تهیه شود.^۱ از تأثیر سویی که پروژه‌های بدون پوشش بیمه‌ای بر دو طرف (کارفرما - پیمانکار و شرکت بیمه) می‌گذارد و عواقب تبعی آن بر افراد حقیقی و حقوقی جامعه نباید به سادگی گذشت، چرا که در صورت وقوع خسارت و فقدان پوشش بیمه‌ای برای تعدیل، بروز مشکلات پر درد سر زیر اجتناب‌ناپذیر است:

۱. کارفرما ناگهان با تأمین هزینه درخور توجهی روبه‌رو می‌شود که گاه بیشتر از مبلغ خسارت قابل‌برآورد براساس فهرست بهاست و تهیه بودجه براساس این هزینه پیش‌بینی نشده است.

۲. در مواردی براساس تبصره ماده ۲۱ شرایط عمومی پیمان، جبران هزینه‌های ناشی از پروژه بدون پوشش بیمه‌ای برای تعدیل، چون باری بسیار سنگین بر دوش پیمانکار قرار می‌گیرد که نباید برای آن چاره‌ای اندیشید. ناکافی بودن پوشش بیمه‌ای موجب نارضایتی پیمانکار و کارفرما می‌شود. این آثار ناخوشایند در طول زمان به صورت بازتاب شرطی عمل کرده و باعث کم‌رنگ شدن باور و اعتقاد به بیمه و بی‌علاقگی به اخذ بیمه نامه شده است؛ شاید یکی از نتایج آن درصد ناچیز پروژه‌های بیمه شده در ده سال گذشته باشد.

۳. شرکت‌های بیمه از دو جنبه متضرر می‌شوند: اول، به لحاظ این که بخشی از بیمه‌نامه‌هایی که باید به فروش برسانند به فروش نمی‌روند، یعنی آن چه فلسفه وجودی شرکت‌های بیمه است واقع نمی‌شود؛ و دوم، این مسأله در زمان وقوع خسارت موجب نارضایتی بیمه‌گذار می‌شود و موج آن به سایر بیمه‌گذاران نیز می‌رسد و در نهایت موجب نارضایتی از شرکت بیمه می‌شود: از بین رفتن وجهه و هزینه‌های تبلیغاتی شرکت بیمه برای کسب بازار. آثار بسیار مخرب‌تر این موضوع به صورت بازتاب شرطی موجب نارضایتی بسیار ریشه دار مردم از بیمه می‌شود.

البته شرکت‌های بیمه در جهت رعایت ماده ۱۰ قانون بیمه، برای ارائه پوشش تعدیل آمادگی دارند و این مورد را به صورت بخشی از شرایط بیمه‌نامه خود مورد تأیید و تأکید قرار می‌دهند. افزون بر این، شرکت‌های بیمه می‌توانند با اضافه کردن شرایط خاصی به بیمه‌نامه علاوه بر ارائه پوشش برای تعدیل‌های رسمی و دوره‌ای، قیمت جایگزینی را

۱. در پاسخ به نامه شماره ۵۱/۵۱۱/۸۶۲۲ به تاریخ ۱۳۷۵/۱۰/۱۶ معاونت فنی و راه‌سازی وزارت راه و ترابری، که تقاضای تأمین بودجه برای پرداخت بخش تعدیل خسارت‌ها را کرده بود.

جزو تعهدات خود قرار دهند و به عبارت دیگر متعهد پرداخت تمامی خسارت به نحوی شوند که بیمه‌گذار را به صورت تمام و کمال در موقعیت روز قبل از حادثه قرار دهند.

۲. مابه‌التفاوت قیمت مصالح

تفاوت چشم‌گیر قیمت مصالح بین آن چه در فهرست بها قید و مبنای صدور بیمه‌نامه شده است و آن چه عملاً برای اجرای پروژه هزینه شده و پیمانکار در محاسبه خسارت نیز به کار می‌برد و مورد ادعا قرار می‌گیرد، مشکل دیگری است، به ویژه در مواردی که به موجب قرارداد، پیمانکار تهیه لوازم مورد نصب را نیز به عهده دارد. بی‌گمان آثار پروژه بدون پوشش بیمه‌ای برای مابه‌التفاوت قیمت مصالح، آثاری شبیه فقدان پوشش بیمه‌ای تعدیل دارد و به همان شکل که گفته شد شرکت بیمه می‌تواند پوشش بیمه‌ای مناسب برای آن ارائه کند.

۳. پوشش برداشت ضایعات

دفترچه فهرست بهای ضمیمه هر قرارداد معمولاً ارزش و مقدار اقلام را نشان می‌دهد که برای اجرای پروژه پیش‌بینی شده است و با احتساب برخی از ضریب‌ها، رقم نهایی پروژه را تشکیل می‌دهند و به عنوان رقم مورد بیمه اساس صدور بیمه‌نامه قرار می‌گیرند. بیمه‌گر نیز بر مبنای بیمه‌نامه تعهد می‌کند که خسارت وارده به اقلامی را که در دفترچه فهرست بها ذکر شده‌اند تا رقم قید شده برای ارزش آنها در زمان وقوع حادثه بپردازد. آن چه در این بین مد نظر قرار نگرفته و فاقد پوشش بیمه‌ای است هزینه‌های برداشت گل و لایی است که بعد از سیل، سطح وسیعی از کارگاه را می‌پوشاند و یا اشیاء و لوازم ساخت پروژه را آلوده و شست و شو را لازم می‌کند؛ یا هزینه‌هایی که بعد از وقوع آتش‌سوزی برای از بین بردن ضایعات انجام می‌گیرد و یا پس از وقوع زمین‌لرزه برای تخریب و برداشت بخش‌های ترک خورده و غیرقابل استفاده باید پرداخت شود. ارقام مربوط به این موارد گاه کاملاً چشم‌گیر و جبران آن‌ها برای پیمانکار بسیار مشکل است و به همین سبب دقت در خرید این پوشش بیمه‌ای را واجب می‌کند. شرکت‌های بیمه آماده ارائه چنین پوششی هستند ولی اخذ پوشش بیمه‌ای به صورت صریح در شرایط عمومی پیمان مورد تأکید قرار نگرفته است و از پیمانکاران نیز فقط آنان که زبان‌های عمده‌ای تحمل کرده‌اند از ضرورت وجود این پوشش آگاهی دارند.

تجهیز کارگاه: رقم پیش‌بینی شده به صورت درصدی از قرارداد و یا یک رقم ثابت که

برای تجهیز و برچیدن کارگاه در قراردادها منظور می‌شود معمولاً با رقم واقعی برای تهیه، ساخت و برقراری کارگاه تطابق ندارد. برای مثال، آتش‌سوزی در کارگاه موجب بروز اختلاف بین بیمه‌گر و پیمانکار می‌شود و آثار روانی نامطلوبی در روابط بین آنها برجای می‌گذارد، در حالی که در زمان خرید بیمه‌نامه با دقت و توجه در خرید پوشش بیمه‌ای می‌توان براساس ارزش واقعی ارقام تجهیز کارگاه، این مشکل را برطرف کرد. در برخی از قراردادها نیز ضمن این که رقم تجهیز کارگاه به صورت جداگانه تعیین می‌شود از پیمانکار می‌خواهند که برای آن بیمه‌نامه جداگانه‌ای تهیه کند. هرچند در بدو امر به نظر می‌رسد که پیمانکار در این حالت به تهیه بیمه نامه مختار و مسؤول سود و زیان تصمیم خویش باشد باید در نظر داشت که اموال منقول یا غیر منقولی که با بودجه تجهیز کارگاه تهیه می‌شود بخشی از قرارداد و متعلق به کارفرماست و در صورتی که به هر علت (از جمله حوادث غیرمترقبه) در معرض هرگونه آسیب با تلف قرار گیرد پیمانکار مسؤول خواهد بود. به نظر می‌رسد که آن چه در این جا اتفاق می‌افتد آزاد شدن کارفرما از هرگونه مسؤولیت و بحث و گفت و گوی مربوط به آثار کم بیمه شدگی در زمان وقوع حادثه و برآورد خسارت است.

خسارت ماشین‌آلات و تجهیزات: از دیگر نتایج پروژه بدون پوشش بیمه‌ای خسارت‌هایی است که به ماشین‌آلات و تجهیزات موجود در محل پروژه وارد می‌شود. با وجود پیش بینی و گاه توصیه شرکت‌های بیمه برای اخذ پوشش بیمه‌ای، به علت این که در شرایط پیمان پرداخت حق بیمه آن به عهده صاحبکار قرار نگرفته است معمولاً وی برای اخذ پوشش بیمه‌ای تمایلی ندارد و طبعاً در زمان وقوع حادثه باعث از بین رفتن سرمایه‌ها می‌شود. اگر ماشین‌آلات پیمانکار بر اثر وقوع حوادث طبیعی یا غیر آن از بین برود، هم در برنامه کار خلل و تأخیر ایجاد می‌شود و هم پیمانکار ضرری را تحمل خواهد کرد که جبران آن شاید چندان آسان نباشد.

غرامت فوت، نقص عضو و هزینه‌های پزشکی کارکنان: یکی از اشتباهات رایج در برداشت از مفهوم عبارت «تمام خطر» و بخش دوم بیمه‌نامه نصب یا مقاطعه کاری که مسؤولیت مدنی بیمه‌گذار را پوشش می‌دهد این است که گمان می‌رود کارکنان پیمانکار نیز تحت پوشش این بیمه قرار دارند، در حالی که اولین استثنای بیمه‌نامه کارکنان پیمانکار را از شمول بیمه‌نامه خارج کرده است. به همین علت گاه دیه و ارش از بابت

فوت و یا نقص عضو به عهده پیمانکار قرار می‌گیرد. هنگامی که حادثه‌ای موجب صدمات جانی چندین نفر می‌شود، این مشکل بسیار حادث‌تر خود را نشان می‌دهد. در این گونه موارد «بیمه مسؤلیت پیمانکار در قبال کارکنان» پوشش‌های لازم را ارائه می‌کند.

برآورد خسارت: یکی دیگر از مواردی که گهگاه موجبات نگرانی و گله‌مندی بیمه‌گذاران از شرکت‌های بیمه را فراهم می‌آورد و ممکن است باعث بی‌رغبتی آنان به امر خرید پوشش بیمه‌ای شود برآورد خسارت با محاسبه کارشناسان منتخب بیمه‌گر است. این امر موجب می‌شود که بیمه‌گذار به مقابله‌ای دیگر با شرکت بیمه برآید و علت دیگری برای نارضایتی خود از بیمه‌گر بیابد، به ویژه اگر بازدید و امور کارشناسی با تأخیر همراه باشد.

شرایط قرارداد «فیدیک»: در شرایط قرارداد «فیدیک» از پیمانکار خواسته می‌شود که علاوه بر اخذ پوشش بیمه‌ای کامل برای پروژه که شامل بیمه تعدیل و مابه‌التفاوت قیمت‌های اقلام مختلف پروژه و برداشت ضایعات و تجهیز کارگاه است، ماشین‌آلات و مسؤلیت خود در قبال کارکنان شاغل در کارگاه و سایر مسؤلیت‌های خود را نیز بیمه کند. یکی دیگر از نکات مثبت این نوع قرارداد آن است که پیمانکار در زمان شرکت در مناقصه علاوه بر تهیه و اعلام رقم حق بیمه بیمه‌نامه مقاطعه کاری پروژه، که روش معمول و جاری پیمانکاران است، در مورد حق بیمه سایر بیمه‌نامه‌ها نیز تحقیق می‌کند و آن را به صورت جزئی از هزینه‌های اجرای پروژه مد نظر قرار می‌دهد. کارفرما نیز حق بیمه را یکی از هزینه‌های قابل قبول می‌داند و پرداخت می‌کند. توصیه ما این است که کمیته‌ای زیر نظر سازمان برنامه و بودجه این شرایط را بررسی و در صورت تأیید ترتیبی اتخاذ کند که جزئی از شرایط پیمان‌های آتی قرار گیرد.

نقش و مسؤلیت شرکت‌های بیمه در بروز اشکالات

پذیرش یک فرض نادرست: شاید یکی از مهم‌ترین عوامل و اصلی‌ترین علتی که سرمایه‌های ملی را بدون پوشش قرار داده و موجب آثار نامطلوبی شده است برکنار نگه‌داشتن نمایندگان شرکت‌های بیمه و کارگزاران بیمه (پل‌های ارتباطی فعال و ثمربخش بین شرکت‌های بیمه و بیمه‌گذاران) از امور بیمه‌ای پروژه‌های عمرانی باشد. علت ظاهراً وجود این فرضیه است که با توجه به دستورهای سازمان برنامه و بودجه و

تأکیدات مندرج در شرایط پیمان، وظیفه هر مسؤول اجرایی پروژه است که در مورد خرید بیمه‌نامه اقدام کند. از این فرض چنین نتیجه گرفته می‌شود که استفاده از شبکه وسیع فروش بیمه‌نامه (نمایندگان شرکت بیمه و کارگزاران) ضرورتی ندارد. آمار موجود و آثار فعالیت شبکه فروش بیمه در سایر بازارهای بیمه‌ای یا فروش بیمه‌نامه‌های مختلف به بخش خصوصی بیان‌گر آن است که پذیرش فرضیه آثار بسیار نامطلوب داشته است. افزون بر آثار مثبتی که شبکه فروش بیمه در تحت پوشش قرارداددن پروژه‌های عمرانی و سرمایه‌های ملی می‌تواند داشته باشند، در خصوص تکمیل پوشش‌های بیمه‌ای خریداری شده و رفع نواقصی که از آنان یاد شد و طبعاً فراهم کردن رضایت صاحبکاران و پیمانکاران نیز می‌تواند نقش بسیار مؤثری داشته باشد و بر وسعت بازار صنعت بیمه کشور بیفزاید. به نظر می‌رسد یکی از آثار دیگر این فرضیه این بوده باشد که شرکت‌های بیمه برای فراگیری مسائل مربوط به بیمه‌نامه‌های این بخش وقت و انرژی لازم را صرف نکرده‌اند و طبعاً مانع گسترش اطلاعات مربوط به بیمه‌های مهندسی شده‌اند.

توجه به اطلاعات ناقص و اندک برخی از نمایندگان شرکت‌های بیمه در زمینه بیمه‌های مهندسی خود گواه بر این مطلب است که دخالت آنان در این بخش از بیمه بسیار ناچیز است. اگر هم گاهی به خرید بیمه‌نامه برای پروژه‌های عمرانی اقدام می‌کنند اغلب برای برقراری رابطه و فروش سایر بیمه‌نامه‌هاست که نه تنها نتیجه مثبتی ندارد بلکه دانش و اطلاعات ناقص آن‌ها سبب خرید پوشش بیمه‌ای ناکافی و عوارض ناشی از آن می‌شود. شبکه فروش (نمایندگان و کارگزاران) با حضور مثبت خود در زمینه پروژه‌های عمرانی می‌تواند در موارد زیر نقش عمده‌ای داشته باشد:

رفع معایب و اشکالات؛ رفع کمبودهای پوشش‌های بیمه‌ای و تأمین پوشش‌های لازم؛ ایجاد تعادل در نرخ و شرایط؛ ایجاد رقابت سالم و سازنده در بین شرکت‌های بیمه؛ کمک و راهنمایی بیمه‌گذاران به هنگام وقوع خسارت؛ راهنمایی بیمه‌گذاران در رعایت اصول ایمنی و کاهش خطر و ده‌ها آثار مثبت و مطلوبی که ثمرات مفیدی برای صنعت بیمه و بیمه‌گذاران و در جهت حفظ و حراست از سرمایه‌های ملی خواهد داشت. وجود این مشکلات تأییدی است بر این نیاز که باید تحقیقی جامع صورت پذیرد و مسؤولان بیمه‌ای کشور فرضیات قبلی را به کمک کارشناسان خبره مورد بررسی و بازنگری قرار دهند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

حوادث طبیعی در کشور ما بسیار رخ می‌نمایند و تردیدی وجود ندارد که زمین لرزه آن استان یا سیل این خطه آخرین نیست؛ حفظ سرمایه ملی و تأمین هزینه‌های جبران خسارت‌های ناشی از بلایای طبیعی نیز از ضروریات است. بی‌گمان یکی از مناسب‌ترین راه‌های تأمین این هزینه‌ها، که موجب کاهش هزینه‌های دولت نیز می‌شود، تهیه پوشش‌های بیمه‌ای لازم و کامل است، به نحوی که در زمان وقوع حادثه بتوان بودجه ضروری و کافی برای ترمیم و ساخت مجدد پروژه‌های عمرانی فراهم آورد.

متأسفانه با وجود تأکید سازمان برنامه و بودجه مبنی بر تهیه پوشش بیمه‌ای و تکلیف قانونی دست در کاران احداث پروژه‌های عمرانی (کارفرمایان، پیمانکاران و مهندسان مشاور)، آمار و ارقام نشان دهنده استفاده ناچیز از پوشش بیمه‌ای و بیان این واقعیت است که بخش عظیمی از سرمایه‌های ملی کشور، بدون پوشش بیمه‌ای، در معرض خطرهای طبیعی و خسارت‌های جبران‌ناپذیر قرار دارند. عوامل مؤثر در این مسأله فراگیر ملی هریک به فراخور می‌توانند تا حدودی از این وضعیت بحرانی بکاهند:

۱. سازمان برنامه و بودجه، با تأکید جدی‌تر بر اجرای ماده ۲۱ شرایط عمومی بیمه‌نامه و کنترل دقیق‌تر آن؛ و تصویب اخذ پوشش‌های کامل بیمه‌ای برای پروژه‌های عمرانی.

۲. کارفرمایان و مهندسان مشاور، با کوشش در شناخت و ارزیابی کامل خطرهای تهدیدکننده پروژه‌های عمرانی و سعی در پذیرش هرچه بیشتر مسئولیت‌های خود زمینه حفظ و حراست از سرمایه‌های ملی و تلاش در حصول آشنایی کافی با مزایا و کاربردهای پوشش‌های بیمه‌ای.

۳. پیمانکاران، با انجام دادن وظایف قانونی و پذیرش مسئولیت در قبال صاحبان سرمایه‌های ملی.

۴. شرکت‌های بیمه، با تلاش در تهیه آمار و اطلاعات واقعی و ارزیابی صحیح خطرها و تعیین شرایط، نرخ و فرانشیز مناسب و متعادل برای پروژه‌های عمرانی؛ توجه کافی به بازار بالقوه بیمه پروژه‌های عمرانی و برنامه‌ریزی برای تبدیل آن به بازاری بالفعل؛ اقدام قاطع و روشن در ارائه پوشش‌های بیمه‌ای تعدیل، مابه‌التفاوت قیمت مصالح، مصالح موجود در معدن و حذف محدودیت‌های ناشی از برخی شرایط؛ تسریع در ارائه نرخ و شرایط (در زمان صدور بیمه‌نامه) و بازدید بدون تأخیر از مورد خسارت

دیده و پرداخت به موقع؛ استفاده از کارشناسان مستقل برای تعیین و برآورد خسارت؛ تبلیغات و بازاریابی کافی و متناسب با شرایط بیمه‌گذاران؛ و استفاده بهینه و کامل از شبکه وسیع فروش بیمه (نمایندگان و کارگزاران بیمه).

پیشنهاد می‌شود که با هماهنگی و مدیریت بیمه مرکزی ایران، کمیته‌ای از کارشناسان آن سازمان، شرکت‌های بیمه، سازمان برنامه و بودجه، وزارتخانه‌ها و نهادهای مجری پروژه‌های عمرانی، انجمن‌های صنفی (مانند انجمن شرکت‌های ساختمانی، انجمن شرکت‌های تأسیساتی و انجمن مهندسان مشاور)، هیأت‌های علمی دانشگاه‌ها و دیگر صاحبان تجربه و تخصص تشکیل شود. کار این کمیته بررسی مسائل و مشکلات گفته شده و مطالعه برخی از الگوهای موجود، نظیر شرایط تعیین شده در قراردادهای فیدیک برای تعیین اصول و شرایط مناسب و ضروری در جهت اصلاح و تکمیل مفاد ماده ۲۱ شرایط عمومی پیمان، و راه حل‌های اجرایی آن خواهد بود. این کمیته هم‌چنین، اقدامات لازم و عملی برای ایجاد انگیزه در پیمانکاران و کارفرمایان را بررسی، تعیین و پیشنهاد خواهد کرد. ■